

ادامه از صفحه ۲

عباس عبدی: همه قربانی بودیم

در این بخش نشست از سخنرانان مراسم پرسیده شد: «آیا برای تحول در دانشگاه به بازنشسته‌کردن پنج هزار استاد دانشگاه نیاز بود؟».

غلط بود

عبدالمجید معادیخواه به‌عنوان یکی از سخنرانان دیگر این نشست در پاسخ گفت: «در اینکه این روشی که برای انقلاب فرهنگی پی گرفته شد کاملاً غلط بود شکی ندارم». او سپس به ماجرای تندروی‌های اوایل انقلاب اشاره کرد و گفت: «ما در ابتدای انقلاب تحت تأثیر گفتمان مارکسیستی بودیم، برخی هم چاشنی اسلامی داشتیم. آن زمان بحث اعدام انقلابی و قاطعیت انقلابی مطرح بود و کشتن ساواکی‌ها را تشویق می‌کرد، درحالی‌که همه اعضای شورای انقلاب در یک مطلب اتفاق نظر داشتند و اینکه متهم باید قانونی محاکمه شود. برای همین قانونی نوشتند که هیچ‌وقت عملی نشد. این قانون به متهم ۱۵ ساعت اجازه دفاع می‌داد؛ اما آن موج قاطعیت انقلابی باعث شد این قانون هیچ‌وقت اجرا نشود. وقتی اعدام‌ها اجرا شد، مردم کف می‌زدند».

او افزود: «شهید مهدی عراقی در زندان با عده‌ای آشنا شده بود که می‌گفت باید اینها حتماً جذب انقلاب شوند. شهید عراقی مکرر به امام می‌گفت که این جوان‌ها دارند مایوس می‌شوند. امام شهید مهدی عراقی را آدمی خاص می‌دانست».

مجری مراسم از سخنرانان درباره اخراج افرادی مانند آعداشلو، شفیع‌الدکنی و ناصر کاتوزیان بعد از انقلاب فرهنگی سؤال کرد و گفت که اخراج آنها چه نفع و تحولی در دانشگاه‌های ما ایجاد کرد؟ تاجایی‌که چند سال بعد دوباره برخی مانند استاد کاتوزیان را دعوت به بازگشت به دانشگاه کردیم.

فراماسون جایی در دانشگاه ندارد

سلیمی‌نمین پاسخ داد: «قضایات احساس‌ای نکنید، مثلاً فروغی در عین اینکه فرهیخته و دانشمند بود؛ اما در وابسته‌بودنش کسی شکی نداشت. آیا اگر فروغی زنده بود، باید می‌گفتم‌یک که برای تحول در دانشگاه باید او را حفظ می‌کردیم؟ فروغی عالم وابسته بود. اینکه کسی را به خاطر عالم و وارسته‌بودن از هر چیزی بری کنیم، درست نیست. شما از عقبه کار آقایانی که نام بردید، اطلاعی ندارید. بسیاری از شخصیت‌های فرهنگی به بیگانگان خدمت می‌کردند». در این‌ بخش نشست بین سلیمی‌نمین و مخاطبان جدلی در گرفت و آنها از او می‌خواستند که مصداقی صحبت کند و بگوید که مثلاً آن سفری که مجری نام برد، چه عقبه وابستگی‌ای داشتند. سلیمی‌نمین هم اصرار داشت که درباره افراد صحبت نمی‌کند و نقاش خوب بودن دلیل نیست. او در ادامه گفت: «تاجایی‌که فرد نقاشی بوده که دانشگاه را به لجن کشیده است. علمی‌بودن نمی‌تواند باعث شود که مطالبه اسلامی‌شدن دانشگاه از سوی ملت کم‌نام شود».

همه قربانی یک ماجرا بودیم

در اینجا عباس عبدی وارد بحث شد و گفت: ۱/۱/۱ انقلاب فرهنگی نیست؛ بلکه خود انقلاب است. وقتی شما وارد فریاد انقلابی می‌شوید، سوار موجی شده‌اید که قدرت‌ش عظیم‌تر از آن است که بعداً پیرسید چرا آنجا این کار را کردید و اینجا این‌کار را نکردید». او افزود: «در دانشگاه پلی تکنیک، ۶۰ درصد دانشجوین، بچه‌مسلمان بودند. فعال‌ترین‌شان محسن میردامادی بود. رئیس دانشگاه ما دکتر شفیع‌قی نام داشت. جزء سیستم دفتر فرح بود؛ اما فضای دانشگاه را باز اداره می‌کرد. سال ۵۷، هفت تا اتوبوس گرفت و بچه‌ها را هی سفر خارج از کشور شدند. عده‌ای کربلا و سوریه و مکه رفتند و عده‌ای هم اروپا. استاد باسوادى هم بود. بعد از انقلاب بچه‌های چپ گفتند او را باید بیرون کنیم. من و میردامادی اصرار کردیم که نکنید؛ اما در نهایت بیرونش کردند. او راهی سوئیس شد و همان‌جا درگذشت. این را گفتم؛ اما این‌را هم بگویم که آن اسامی‌ای که مجری نام برد، در اوایل انقلاب همین اسامی‌ای نبودند که شما الان می‌شناسیدشان. برخی از آنها به مجاهدین گرایش داشتند؛ درحالی‌که استاد دانشگاه نباید آن‌طور گرایش‌را بروز بدهد. بعداً هم همان‌ها که اینها را بیرون کردند، آنها را برگرداندند». عبدی افزود: «قصده از این صحبت‌ها این است که بگویم همه ما قربانی یک ماجرا هستیم؛ مثلاً کافی بود همان زمان هویدا دو ساعت دیرتر اعدام می‌شد تا می‌گفتند حتماً با امپریالیسم سازش شده است. نمی‌خواهم بحث اعدام را توجیه کنم؛ بلکه می‌خواهم فضای آن روزگار را بازسازی کنم. نگاه‌دان دوقطبی ظالم و مظلوم به آن زمان نباشد». او افزود: «البته این را هم اضافه کنم که یک ایده هم هست که می‌گویند وقتی یک بخش بدنه دانشجویی سراغ تسخیر سفارت رفت؛ یک گرایش که کلاً مخالف تسخیر سفارت بود یا جا مانده بود، خواست کاری کند؛ برای همین سراغ انقلاب فرهنگی رفت. بله این تحلیل هم درست است». سلیمی‌نمین هم در ادامه صحبت‌های قبلی خود در واکنش به اعتراض مخاطبان افزود: «آن زمان این نگاه نبود که فراماسون‌ها را باید حفظ کرد. فارغ از درست یا غلط‌بودن این نگاه، البته این حساب افرادی مانند دکتر زریں‌کوب راهم در این‌میان جدا کرد که بعداً دست از مواضع قبلی خود کشیدند. زریں‌کوب در واکنش به کتاب دو قرن سکوت خود کتاب دیگری نوشت». او افزود: «حالا اینکه آن اخراجی‌ها که شما از آنها نام بردید، مانند زریں‌کوب بودند یا خیر، باید مصداقی بررسی شود».

politics@sharghdaily.ir

غبارزدایی از اندیشه‌های شهید بهشتی

بزرگ‌زاری نشست «آشنای ناشناخته» با حضور سروش محلاتی، فرشاد مؤمنی و حسین مهرپور



و تمامیت ارضی کشور نمی‌تواند آزادی‌های مشروع را با وضع قوانین و مقررات سلب کند». سکانس دیگر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی را نشان می‌دهد که از استاد خود یاد می‌کند: «روزی در جمع یاران، به بهشتی گفتم این تهمت‌های تلخ ازارت نمی‌دهد؟ نگاهم کرد و گفت: این آسپاب به نوبت است. نوبت تو هم خواهد رسید. چقدر این روزها بدون شما سخت می‌گذرد دوستان. من تا نیمه راه آمدم، مشیت این بود که به‌نام تا نوبت به من برسد و در سنگ زیر و بالای آسپاب، صدای شکست‌های خود را بشنوم و بچشم. دلم که می‌گیرد، گاهی یاد امام آرامم می‌کند...».

باید و نباید‌های بهشتی درباره شورای نگهبان

سخنران دوم مراسم، محمد سروش‌محلاتی است؛ «بازشناسی اندیشه شهید بهشتی پیرامون شورای نگهبان با تکیه بر متن مذاکرات قانون اساسی». او به وجه کاربردی مسئله شورای نگهبان در دیدگاه شهید بهشتی اشاره می‌کند و می‌گوید زمانی که در سال ۱۳۵۸ قانون اساسی تدوین می‌شد، اتفاق‌نظری برای نهاد شورای نگهبان وجود داشت؛ ولی درباره جایگاه و اختیارات آن، مباحثی در مجلس خبرگان مطرح بود که شهید بهشتی در برابر چند نظر استبدادی کرد.

رودد شورا به تشخیص مصلحت کشور

شورای نگهبان در ایران و نظام حقوقی کشورهای دیگر پیشینه دارد؛ در نظام مشروطه ایران پنج نفر از هیئت فقهی حاضر بودند که بر مصوبات مجلس از بهشتی اشاره می‌کند و می‌گوید زمانیکه در سال ۱۳۵۸ قانون اساسی تدوین می‌شد، اتفاق‌نظری برای نهاد شورای نگهبان وجود داشت؛ ولی درباره جایگاه و اختیارات آن، مباحثی در مجلس خبرگان مطرح بود که شهید بهشتی در برابر چند نظر استبدادی کرد. شوری نگهبان در ایران و نظام حقوقی کشورهای دیگر پیشینه دارد؛ در نظام مشروطه ایران پنج نفر از هیئت فقهی حاضر بودند که بر مصوبات مجلس از بهشتی اشاره می‌کند و می‌گوید زمانیکه در سال ۱۳۵۸ قانون اساسی تدوین می‌شد، اتفاق‌نظری برای نهاد شورای نگهبان وجود داشت؛ ولی درباره جایگاه و اختیارات آن، مباحثی در مجلس خبرگان مطرح بود که شهید بهشتی در برابر چند نظر استبدادی کرد.

نسبت دین و توسعه

او به رابطه دین و توسعه اشاره می‌کند و معتقد است: «دین همچنان در آینده توسعه بشر، نقش

جست‌های دارد؛ برای همین باید از بددفاع‌کردن از دین دست برداریم؛ اسلوب روش‌شناختی شهید بهشتی در این راه به ما کمک می‌کنند». به گفته مؤمنی، «وقتی به آثار وبر، پارسونز، ماکسیم رودنسون، سومبارت و حتی دورکیم نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که اینها روی یک نکته اشتراک نظر دارند و آن این است که دین به‌هیچ‌وجه مانع توسعه نیست. اما اینکه تحت چه شرایطی دین می‌تواند اداره کشور را به جایی رسید و تحت چه شرایطی می‌تواند مانعی در برابر توسعه قرار بگیرد، باید از زاویه اسلوب روش‌شناختی به این قضیه نگاه کنیم». او ادامه می‌دهد: «اگر به کار ارزشمند «کلوپ رم» که در ربع پایانی قرن بیستم صورت گرفت و با عنوان «جهان به کدام سو می‌رود؟» برگردیم؛ اهمیت بازنگری این‌های روش‌شناختی اندیشه‌های شهید بهشتی بهتر آشکار می‌شود. در این کتاب استدلال شده قرن معاصر قرن دین خواهد بود و به موج سوم انقلاب صنعتی با انقلاب دانایی، اشاره می‌شود که دانایی نیروی محرکه انقلاب بهره‌وری می‌شود و فرصت‌های رفاهی منحصربه‌فرد در اختیار جامعه بشری قرار می‌دهد». به روایت مؤمنی، در آن کتاب نویسنده تأکید می‌کند که قرن بیست‌ویکم قرن بازگشت به معنویت در جامعه بشری است. در این چارچوب فکر می‌کنم مسئولیت انسان‌های مسلمان شاید سنگین‌تر باشد.

اسلوب روش‌شناختی بهشتی

اسلوب روش‌شناختی شهید بهشتی یک فرصت است؛ مؤمنی می‌گوید: «من مطالعه اندیشه‌های شهید بهشتی و اسلوب روش‌شناختی ایشان را یک فرصت استثنایی برای جهان اسلام به‌حساب می‌آورم و بسیار متأسفم از اینکه طرز نگاهی این شده که راجع به همه وجوه آیت‌الله شهید دکتر بهشتی صحبت می‌کنند الا از بنیان‌های اندیشه‌ای او، به ما مرتباً می‌گویند شهید بهشتی خوش‌برخورد، قاطع، مدیری توانا و اخلاقی بود. اما نمی‌گویند که این توانایی عملی از دل چه نظام باورها و چه اسلوب روش‌شناختی بیرون آمده است. من چند نکته را عنوان می‌کنم و امیدوارم بایی برای بحث‌های جدی و مستمر برای آینده باشد». سپس نگاه بهشتی را به علم، عمل و همکاری تبیین می‌کند؛ اصولی که برای توسعه به آن نیازمندیم.

نمایی دیگر از زندگی شهید بهشتی

بعد از گفته‌های مؤمنی، مستندی از روزهای زندگی بهشتی پخش می‌شود. قرار بود بخشی از آن مستند، مصاحبه علیرضا بهشتی و مصطفی تاجزاده درباره ابعاد اجتماعی شخصیت شهید بهشتی باشد؛ اما صحبت‌های تاجزاده به خواست نهادهای درون دانشگاهی حذف می‌شود. فیلم با سخنرانی بهشتی در مرکز اسلامی هامبورگ در سال ۱۳۴۹ شروع می‌شود: «هیچ حکومتی، تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند آزادی انتقاد را در مردم بگیرد؛ این دگم است».... سپس زمانه‌ای دیگر به‌تصویر درمی‌آید: بهشتی عبایی سیاه بر تن دارد و اصل نهم قانون اساسی را می‌خواند در شهریور ۱۳۵۸ «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آن وظیفه عموم و آحاد مردم ایران است و هیچ فرد یا گروه یا مقام و مرجعی حق ندارد به اسم آزادی، به استقلال فرهنگی، سیاسی و تمامیت ارضی ایران کمترین حده‌های وارد کند و هیچ مقامی به نام حفظ استقلال

سیاست

می‌برد: «امروز باید تأمل کرد که شورای نگهبان در چه جایگاهی قرار دارد؟».

قوه قضائیه و عدالت در نگاه شهید بهشتی

حسین مهرپور، سخنران سوم نشست «آشنای ناشناخته» است که درباره «قوه قضائیه و عدالت در اندیشه شهید بهشتی» سخن می‌گوید. او آیه ۲۳ سوره احزاب را می‌خواند: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» و سپس می‌گوید بهشتی از مصایق چنین رجالی بود که خداوند وعده داده است. او سپس به عدالت در قوه قضائیه در اندیشه بهشتی اشاره می‌کند: «در قانون اساسی به استقلال قوه قضائیه تأکید شده است. قاضی باید مستقل باشد؛ قاضی مستقل، مستقل از قانون نیست بلکه باید قانون را بفهمد و طبق فهمش از قانون، بدون دغدغه خاطر و اعمال نفوذ دیگران تصمیم‌گیری کند». مهرپور به انطباق عمل و نظر بهشتی تأکید می‌کند و خاطره‌ای از جلسه تصویب اصل ۳۸ قانون اساسی بیان می‌کند: طبق اصل ۳۸ «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود». در اینجا آیت‌الله مشکینی درباره اطلاق «ممنوعیت» تذکر دادند و «دفع افسد را به فاسد» عنوان کردند ولی شهید بهشتی گفتند: «توجه فرمایید که راه مسئله، راه چیزی بازشدن است؛ به محض اینکه این راه باز شد و خواستد کسی را که متهم به بزرگ‌ترین جرم‌ها باشد یک سیلی بزنند مطمئن باشید به داغ‌کردن همه افراد منتهی می‌شود؛ پس این راه را باید بست و این راه اگر باز نشود جامعه سالم‌تر است». با اینکه در ۲۵ خرداد ۱۳۶۰ در زمان درگیری خیابانی اولیه که عده‌ای دستگیر شده بودند، در جلسه‌ای در محل دفتر رئیس دیوان‌عالی کشور، دادستان کل کشور و وزیرکشور و معاون اجرایی نخست‌وزیر عده‌ای از عدم اقرار افراد حتی در زندان‌های انفرادی گفتند که او تأکید کرد: «آقا...هرگز هرگز بالاتر از زندان افرادی به هیچ اقدامی دست نزنید».

مراسم که به پایان می‌رسد نمایشگاهی از آثار بزرگ بهشتی در جلوی سالن خودنمایی می‌کند؛ هنوز عده‌ای به دنبال یادکنک‌های آبی‌رنگ، زیر باران‌اند و فراموش کرده‌اند همه دیروزهای دانشکده فنی دانشگاه تهران را.

روزنه

پیگیری ۵مطالبه اصلی کولبران از سوی کمیته حقیقت‌یاب مجلس

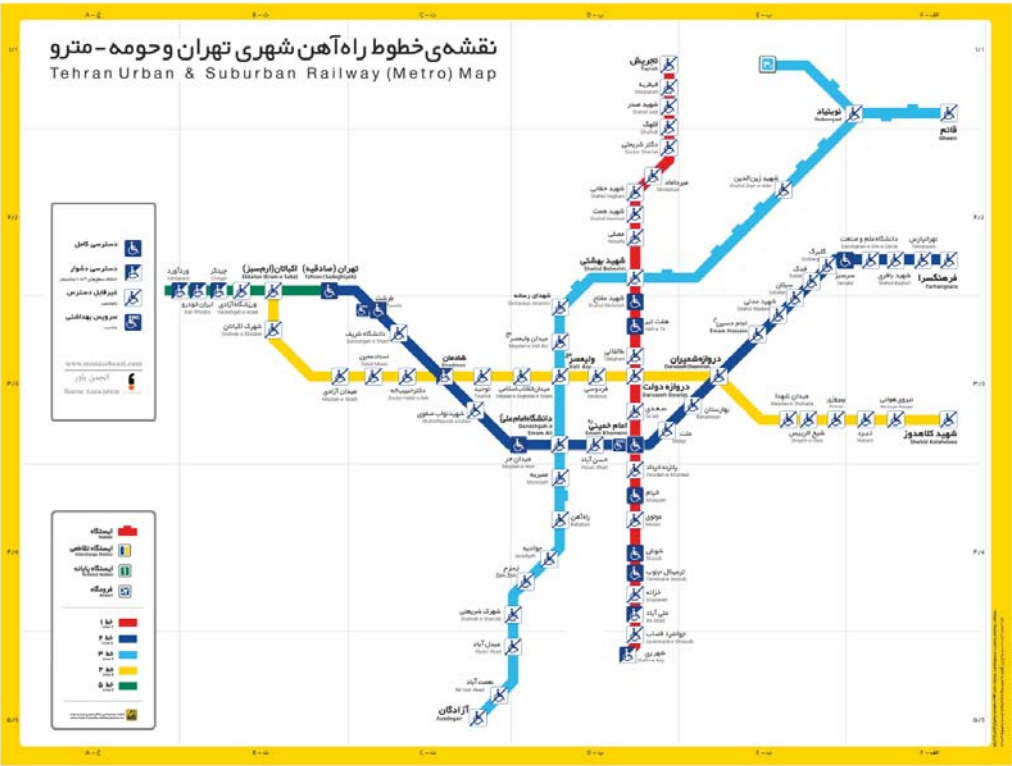
● شرق: یک عضو کمیته حقیقت‌یاب مجلس برای بررسی وضعیت کولبران با اشاره به بازدید میدانی اعضای این کمیته از مرز ترمچین و پیرانشهر گفت مطالبات کولبران به کمیته منعکس شده و قطعاً بررسی می‌شود. رسول خضری به ایسا گفت: «پیرو مأموریت مجلس من به همراه آقایان کواکبیان و شهروز برزگر، اعضای کمیسیون امنیت ملی و محمودزاده، نماینده مردم مهاباد، صبح چهارشنبه از مرزهای ترمچین و پیرانشهر بازدید و با کولبران گفت‌وگو کردیم. کولبرها چند خواسته اساسی دارند. یکی اینکه بیمه تأمین اجتماعی، بی‌کاری، مستمری، ازکارافتادگی و دیه داشته باشند؛ دیگر اینکه تعاونی



مرزنشینان تشکیل شود؛ همچنین مسیر کولبری آسفالته شود و بارها با چهارچرخه یا وسیله نقلیه موتور جابه‌جا شود». خضری کوتاه‌شدن دست‌دلالان را از دیگر مطالبات کولبرها عنوان کرد: «خواسته دیگر این است که درآمد معابر مرزی که ۴۰ درصد برای استانداری‌ها و ۶۰ درصد برای تهران اختصاص می‌یابد همه صرف عمران و آبادنی شهرهای مرزی شود». او با بیان اینکه کولبران گاهی بین ۲۰۰ تا ۲۲۰ کیلوگرم بار را بر دوش می‌کشند، افزود: «ما حتی سعی کردیم بار این‌ افراد را بلند کنیم اما توان این کار را نداشتیم؛ همچنین به دیدن خانواده جوان ۱۷ساله کولبری رفتم که در اثر ریزش بهمن جان خود را از دست داده است». طرح دوفوقریتی نمایندگان برای ساماندهی کولبرها نیز این روزها روی میز بهارستانی‌هاست. خضری تأکید دارد که قطعاً بازدیدهای میدانی می‌تواند به ما کمک کند که برخی موارد مورد نیاز و برخی مطالبات کولبرها را در این طرح بگنجانیم. این عضو کمیته حقیقت‌یاب مجلس برای بررسی وضعیت کولبران در پایان گفت گزارش این کمیته به کمیسیون امنیت ملی ارائه خواهد شد و در صورت لزوم در صحن علنی مجلس نیز قرائت خواهد شد.

شرکت اتوبوس‌رانی، شرکت مترو و سازمان تاکسی‌رانی تهران موظفند تا پایان سال ۱۳۸۵ تسهیلات و خدمات ویژه‌ای برای کم‌توانان جسمی و حرکتی فراهم کنند.

ا بلاغیه شهرداری به استناد مصوبه یکصد و پنجاه و هشتمین جلسه شورای اسلامی شهر و ماده ۱۹۳ قانون برنامه سوم



بعد از ده سال، تسهیلات و خدمات ویژه را پیدا کنید

حمل و نقل عمومی در دسترس و کارآمد چه ارتباطی با کیفیت هوای تهران دارد؟